

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم وېر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Literary-Cultural

ادبی - فرهنگی

دپلوم انجنیر خلیل الله معروفی

برلین - ۲۶ می ۲۰۱۵

جوابکی به آقای نجیب سخی

آقای نجیب سخی، که خود را شاخ شمشاد و گل سرسبد فهم و دانش میپندارند، در قسمت دوم مقاله خود زیر عنوان «جناب هاشمیان و سطح بحث!» - صفحه مؤرخ ۲۴ می ۲۰۱۵ پورتال «افغان جرمن آنلاین» - ضمن جواب به داکتر صاحب استاد هاشمیان، از سخاوت کار گرفته و مرا نیز نوازش داده و چیزهائی را روی کاغذ الکترونیک آورده اند. ایشان علی الحساب به تاخت و تاز پرداخته و با بیبایکی که خاصه خودشان است - و خود دانند که آن را از کجا گرفته اند - گویا جواب نوشته مرا در مورد کلمات «تغییر و تغیر» داده اند. متعجب شدم، خنده ام گرفت و بیت استاد فقید عبدالرحمان پژواک را به یاد آوردم، که فرموده:

گر شحنه شود مانع، یک خنده و خاموشی
کو را نسزد چیزی، دیگر به جواب اندر

همین امروز، ۲۵ می، مقاله ای مطول ازین قلم در پورتال "افغانستان آزاد - آزاد افغانستان" افتخار نشر یافت، که معنون است به «آریائی سرود خلیلی کابلزاد». درین مقاله به صورت ضمنی غزلی بی اندازه دلارا از استاد پژواک هم آورده شده، که «یک خنده و خاموشی» نام دارد و در بالا بیتی از آن را تیمناً نقل کردم. میخواستم همین اندرز گویا را رعایت کرده و از گفتن جواب بپرهیزم؛ گرچه همین کار را میکنم، مگر با چند تذکر مختصر و لازم در لازم: - اول این که مقاله من به خواهش جناب محمد ناصر "مستجاب" نوشته شده است و نظر به تقاضای جناب ایشان موضوع صرفی را با تمام بونه و چونه و زیره و پودینه اش، بر صفحه کاغذ ریخته ام و فکر میکنم، که اگر اشخاص کُندذهن و هفته فهم هم این مقاله را بخوانند، به گُنه موضوع میرسند. این که جناب سخی از آن هیچ نفهمیده اند و یا نخواسته اند بفهمند، گناه من نیست!!! این مقاله دور "صرف عربی" میچرخد و با "نحو عربی" هیچ مناسبتی ندارد، مگر چون جناب شما فرق "صرف عربی" و "نحو عربی" را نمیدانید، هردو را در یک دیگ انداخته و از آن دلد و قروانه ای به مزه دهان خود درست میکنید.

کسی را که نفهمد و **بخواهد بفهمد**، میتوان رهنمائی کرد، اما:
اما کسی را که **نخواهد بفهمد**، اگر هزار بار برایش بگوئی، سودی ندارد!!!

گلیم بخت کسی را که کرده اند سیاه
به آب کوثر و زمزم سفید نتوان کرد

برای آقای سخی فقط دو نکته را برادرگویا پیشنهاد میکنم:
- بروند و مدتی املاء و انشاء بیاموزند و بعد در راه نوشتن گام بردارند!!!
- بروند و سر موئی اخلاق بحث را فراگیرند و بعد وارد جدال قلمی گردند!!!
و دلم میخواهد بگویم که:
- هنوز کاکلِ نجیب جان "**نذر سخی**" نشده بود، که قاموسهای "**غیاث اللغات**" و "**المُنجد**" را
زیر و زبر کرده بودم و این دو کتاب، که در جمله کتابهای ابتدائی پدر بزرگوارم سراغ میشدند،
از دستِ خلیلِ معروفی، اوراق اوراق گشته بودند!!!
با تمام ناموافقتها از ناحیه قواعد زبان دری، خوشحالم که با جناب سخی از یک رهگذر خیلی
مهم مخرج مشترک دارم:
ایشان وطن و مردم خود را میپرستند؛ من هم!!!
ایشان به هویت ملی و افغان بودن خود میبالند؛ من هم!!!
ایشان به ارزشهای زبانی و فرهنگی ما پابندند؛ من هم!!!

و همین اصل است، دیگر همه فرع!!!

بیشتر وقت ایشان را نمیگیرم؛ بروند به راهی که خود دانند؛

سخی یارِ شان!!!!!!